

بررسی استثنای زیست - محیطی در رویه گات و سازمان جهانی تجارت

دکتر محمد حسین رضانی قوام آبادی ramazanighavam@yahoo.com

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۲/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۷/۸

چکیده

موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، مقررات چندانی در ارتباط با محیط زیست و حفاظت از آن ندارد؛ زیرا در زمان تنظیم این موافقت‌نامه در سال ۱۹۴۷ موضوع محیط زیست به صورت امروزی مطرح نبوده است، ولی با وجود این، تنها ماده ۲۰ گات است که در طی دو بند در قالب تدابیر ضروری برای حفاظت از بهداشت و سلامت اشخاص و جانوران یا حفاظت از گیاهان و همچنین حفاظت از منابع طبیعی تجدیدناپذیر، موضوع محیط زیست را مورد توجه قرار می‌دهد. ادغام ابعاد زیست محیطی در متون اقتصادی و تجاری امری نسبتاً جدید است، ولی با این حال از دهه ۸۰ سازمان جهانی تجارت و سلفش قضایای متعددی مرتبط با محیط زیست را بررسی نموده‌اند. این قضایا، نقش مهمی در تحول موضوع محیط زیست در تجارت بین‌المللی ایفا کرده‌اند که تجزیه و تحلیل گزارشهای پانل و ارگان پژوهش مبین این امر است. این تحقیق در پی نشان دادن اهمیت محیط زیست در پرتو ماده ۲۰ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت از طریق تشریح و توجیه تدابیر و اقدامات اتخاذ شده توسط دولت‌ها (بخش اول) و ارزیابی این اقدامات و تدابیر با اصول تجاری مندرج در صدر ماده ۲۰ (بخش دوم) در رویه سازمان جهانی تجارت است.

واژه‌های کلیدی: گات، سازمان جهانی تجارت، محیط زیست، تجارت و منابع طبیعی

پرتال جامع علوم انسانی

تثبیت مبادلات اقتصادی همانند تثبیت روابط سیاسی و حفظ صلح بین کشورها از اهمیت زیادی برخوردار است؛ و به همین سبب از همان ابتدا این موضوع مورد توجه بنیانگذاران منشور ملل متحد بوده است. به طور کلی، نظام اقتصادی بعد از جنگ تحت تاثیر ایدئولوژی آزاد گرایی ایالات متحده و انگلستان قرار گرفت و به همین دلیل، موضوع ایجاد سیستم جدید اقتصادی مطرح گردید. در کنفرانس برتن وودز ۱۹۴۴ موافقت نامه مربوط به تأسیس صندوق بین المللی پول و بانک بین المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) به تصویب رسید. درست یک سال بعد، ایالات متحده آمریکا پیشنهاد برگزاری کنفرانسی به منظور ایجاد سازمان بین المللی تجارت را مطرح کرد تا بدین وسیله این سازمان به همراه دو سازمان دیگر؛ یعنی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به عنوان سه نهاد بین المللی مامور انتظام امور پولی، مالی و تجاری بین المللی گردند. پیشنهاد شکل گیری سازمان بین المللی تجارت، به سبب اختلاف نظر شدید بین دولت های شرکت کننده در کنفرانس لندن ۱۹۴۶ بی نتیجه ماند (برای اطلاعات بیشتر نک: امید بخش، ۱۳۸۵: ۳-۷). با تنظیم منشور هاوانا ۱۹۴۸ که متضمن دو بخش عمده تأسیس سازمان بین المللی تجارت و موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) بود؛ تنها این موافقت نامه باقی ماند و تأسیس سازمان مزبور به سبب عدم تصویب دولت ها و مخالفت کنگره آمریکا، محقق نشد. در عمل، موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) به معیاری مهم در تجارت بین الملل مبدل گردید، و قریب پنجاه سال با هدف توسعه تجارت بین المللی از طریق حذف و کاهش موانع گمرکی بر روابط تجاری بین دولت ها حکومت کرد. در واقع، گات با ایجاد تجارت بدون تبعیض در پی توسعه و گسترش نوعی نظام اقتصاد آزاد یا رژیم تجارت آزاد در روابط تجاری بین المللی بود، ولی کم کم به سبب بروز جنبه-های جدید در تجارت بین الملل و نواقص موجود در سیستم گات، ضعف های آن آشکار گردید و در نتیجه ضرورت تجدید نظر در سیستم مزبور احساس شد. به منظور پاسخگویی به این مشکلات و پر کردن خلأ های موجود، در پی دور اروگوئه^۱، سازمان جهانی تجارت به موجب موافقت نامه مراکش ۱۹۹۴، جایگزین گات گردید. پس موافقت نامه مراکش اختتام دور اروگوئه و موجد سازمان جهانی تجارت است. نکته قابل توجه این است که موافقت نامه مراکش، ضمن معرفی و

۱. به مجموعه مذاکرات چند جانبه تجاری دور تجاری گفته می شود. دور اروگوئه از سال ۱۹۸۶ تا سال ۱۹۹۴ طول کشید و در آن ۱۲۳ کشور حضور داشتند.

اعطای شخصیت حقوقی بین المللی به سازمان مزبور، آن را به عنوان چارچوبی نهادین برای هدایت روابط تجاری بین المللی می داند و آن را از گات که یک موافقت نامه موقت بود، مجزا می کند. این امر به سادگی در موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت آشکار است، زیرا در این سند به هیچ وجه از واژه «دول عضو»^۱ استفاده نمی شد، بلکه به جای آن از واژه «طرفین متقاعد»^۲ استفاده می شد.

از آنجا که تجارت کالا و خدمات از جمله موضوعهای مورد توجه سازمان جهانی تجارت است؛ لذا در این خصوص پرسش های گوناگونی مطرح می شود که به طور مستقیم با موضوع محیط زیست مرتبط است. نوع و نحوه تولید، نگهداری، ورود و صدور بعضی از کالاها و به طور کلی تجارت آن می تواند بر محیط زیست آثار مضر داشته باشد. به عبارت دیگر، موضوعهای مختلف تجاری در مقابل موضوعهای مربوط به حفاظت از محیط زیست قرار می گیرد و نوعی تضاد در اهداف و یا بهتر بگوییم نوعی همگرایی مشکل بین تجارت و محیط زیست را به ذهن متبادر می سازد. بهره وری و کسب سود بیشتر از اهداف مهم کارگزاران اقتصادی است و به همین جهت، رعایت کامل استانداردهای زیست - محیطی می تواند موجب گران شدن قیمت نهایی کالای تولید شده گردد. از طرف دیگر، برای مثال، تولید، نگهداری، نقل و انتقال و عرضه غیر قانونی مواد خطرناک می تواند سلامت و بهداشت انسان و گونه های مختلف گیاهی و جانوری را به مخاطره اندازد و یا شکار و صید بی رویه بعضی از گونه های جانوری می تواند سبب انقراض نسل این گونه ها شود.

طرح موضوع به کارگیری استثنای زیست - محیطی در رویه سازمان جهانی تجارت - که سازمانی اساسا و ماهیتا تجاری است - از این جهت حایز اهمیت است که از این طریق می توانیم به رویکرد سازمان مزبور نسبت به محیط زیست پی برده، و آن را با گات ۱۹۴۷ از حیث به کارگیری استثنای فوق مقایسه کنیم. به منظور روشن شدن موضوع و درک عمیق این موضوع، سعی خواهیم کرد به بررسی استثنای کلی زیست - محیطی و توجیه و ارزیابی اقدامات و تدابیر مربوطه بپردازیم. با تجزیه و تحلیل این موضوع، اهمیت و رابطه بین تجارت و محیط زیست بهتر مشخص می شود که آیا استناد به استثنای زیست محیطی و توجه بیش از حد به محیط زیست به

-
1. Etats membres
 2. parties contractantes

منزله بازگشت به نوعی نظام حمایتی جدید (نظام حمایتی سبز) تلقی می‌گردد یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا به کارگیری این استثناهای توسط کشورها و اتخاذ تدابیری در این خصوص ماهیتا می‌تواند در تضاد با اصل بنیادین عدم تبعیض باشد؟ چرا که یکی از راههای سنتی و رایج مبارزه علیه رقبای تجاری خارجی همان اتخاذ سیاست‌های حمایتی شدید از کالاهای داخلی و اعمال موانع و محدودیت‌های متعدد بر سر راه کالاهای خارجی است. در راستای تعدیل این سیاست‌ها و کاهش تدریجی و حذف کامل موانع گمرکی، کشورها اقدام به ایجاد گات نمودند تا بدین وسیله مقدمات مبادلات آزاد تجاری را فراهم کنند. حفاظت از منابع طبیعی و غیر قابل تجدید بودن بعضی از آنها در زمان شکل‌گیری گات ۱۹۴۷ به صورت امروری مورد توجه نبود و به همین دلیل اتخاذ مقرراتی در خصوص حفاظت از محیط زیست این شائبه را بوجود آورد که ممکن است سبب بازگشت به نظام حمایتی جدیدی شود که در تضاد با اصول حاکم بر لیبرالیسم اقتصادی است. این نگرش به تدریج با طرح قضایای گوناگون مرتبط با تجارت و محیط زیست در گات ۴۷ و تقارن دور اروگوئه با کنفرانس دوم محیط زیست در ریو دو ژانیرو و برزیل در سال ۱۹۹۲ به نفع محیط زیست تغییر کرد؛ به طوری که از دهه ۹۰ به این سو با تأسیس سازمان جهانی تجارت، تدابیر مختلفی در سطح مادی و نهادین در زمینه محیط زیست اتخاذ گردید که در مجموع نسبت به گات ۴۷ قابل توجه است.

در ارتباط با محیط زیست و حفاظت از آن، گات مقررات چندانی پیش‌بینی نکرده است و این امر نیز بی‌جهت نیست؛ زیرا در زمان تنظیم موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) در سال ۱۹۴۷ موضوع محیط زیست به صورت امروری مطرح نبوده است، ولی با این وصف، تنها ماده ۲۰ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) است که در قالب استثناهای کلی، موضوع محیط زیست را مورد توجه قرار می‌دهد و علی‌رغم تغییرات بنیادین در ساختار تجارت جهانی، ماده ۲۰ همچنان به صورت اولیه خود باقی مانده است. عنوان ماده ۲۰ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت به استثناهای کلی اختصاص یافته است؛ که در طی ده‌بند این استثناهای را احصا می‌کند. استثناهای مزبور از تنوع گوناکونی برخوردارند که از آن جمله می‌توان به تدابیر ضروری برای حمایت از اخلاق عمومی، حفاظت از بهداشت و حیات اشخاص، جانوران و گیاهان، ورود و صدور طلا و نقره، حمایت از علایم و حقوق مؤلفان، محصولات ساخته شده در زندان، حفاظت از خزانه‌های ملی دارای ارزش هنری، تاریخی یا باستان‌شناسی، حفاظت از منابع طبیعی تجدید

ناپذیر، اجرای تعهدات قراردادی برای یک کالای اساسی و محدودیت صدور مواد اولیه و ذخیره بین المللی محصولات کمیاب اشاره کرد. در میان این استثنای، دو بند به محیط زیست^۱ اختصاص یافته است که با توجه به آن دولت ها می توانند تحت شرایطی از تعهدات تجاری خود عدول نمایند.

مطابق ماده ۲۰ موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت:

« هیچ موردی در این موافقت نامه نباید به گونه ای تفسیر شود که مانع تصویب یا اجرای تدابیر توسط هر یک از طرفین متعاقد گردد؛ مشروط به اینکه این تدابیر به صورت ابزار تبعیض خودسرانه یا غیر موجه بین کشورهایی که دارای همان شرایط هستند، اعمال نگردد یا محدودیتی پنهان بر تجارت بین المللی ایجاد نکند.

الف [...]

ب) تدابیری که برای حفاظت از بهداشت و حیات اشخاص و جانوران یا حفاظت از گیاهان ضروری است.

ز) تدابیر مربوط به حفاظت از منابع طبیعی تجدید ناپذیر، در صورتی که چنین تدابیری به همراه محدودیت هایی بر تولید یا بر مصرف ملی اعمال شده باشد.»

ادغام ابعاد زیست - محیطی در متون اقتصادی و تجاری امری نسبتاً جدید است، ولی با وجود، این از دهه ۸۰ سازمان جهانی تجارت و سلفش قضایای متعددی مرتبط با محیط زیست را بررسی قرار نموده اند^۲. این قضایا، نقش مهمی در تحول موضوع محیط زیست در تجارت بین

۱. البته، شایان ذکر است که در این دو بند واژه محیط زیست به کار نرفته است، ولی در آخرین نشست رسمی گروه مذاکره کننده دور اروگوئه در مورد موافقت نامه عمومی، اتریش پیشنهاد کرد که واژه « محیط زیست » به طور صریح در بند ب ماده ۲۰ اضافه شود تا بدین وسیله به رابطه بیش از پیش مهم بین محیط زیست و تجارت تأکید شود، ولی این پیشنهاد در عمل بی نتیجه ماند.

برای اطلاعات بیشتر نک: OMC- Symposium de haut niveau sur le commerce et l'environnement, Genève, 15-16 mars 1998: 84.

۲. در طول نزدیک به نیم قرن حیات گات، شش قضیه از جمله اختلاف کانادا و آمریکا بر سر صید ماهی تن، اختلاف کانادا و آمریکا بر سر سایمن ماهی ها و شاه ماهی ها، اختلاف کانادا و آمریکا بر سر ممنوعیت واردات سیگار، اختلاف آمریکا و مکزیک بر سر ماهی های تن، اختلاف آمریکا و کمیسیون اقتصادی اروپا بر سر ماهی های تن و قضیه مربوط به ممنوعیت واردات خودرو توسط آمریکا و سه قضیه نرهای مربوط به بنزین جدید و فرمول قدیم، قضیه میگو-لاک پشت و قضیه پنبه های نسوز توسط سازمان جهانی تجارت در حوزه محیط زیست مورد رسیدگی قرار گرفته است.

الملل ایفا کرده اند که تجزیه و تحلیل گزارشهای پانل و ارگان پژوهش مبین این امر است. استناد طرفین اختلاف به استثنای مندرج در ماده ۲۰ در حوزه محیط زیست این فرصت را برای ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت فراهم آورده است که به تفسیر بندهای مرتبط به محیط زیست بپردازد.

برای پاسخگویی به مسایل مطروحه، این تحقیق در پی نشان دادن اهمیت محیط زیست در پرتو ماده ۲۰ موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت از طریق تشریح و توجیه تدابیر و اقدامات اتخاذ شده توسط دولت ها (بخش اول) و ارزیابی این اقدامات و تدابیر با اصول تجاری مندرج در صدر ماده ۲۰ (بخش دوم) در رویه سازمان جهانی تجارت است.

بخش اول: توجیه تدابیر و اقدامات زیست - محیطی مندرج در ماده ۲۰ موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت

در اینجا لازم است به طور خاص به مطالعه استثنای کلی زیست - محیطی پرداخته شود تا از این طریق ضمن تامل در این دو بند با چگونگی به کار گیری این استثنای آشنا شویم. استناد به این استثنای مستلزم دو مرحله است که در مرحله اول به این موضوع پرداخته می شود که آیا تدابیر مورد نظر در چارچوب یکی از دو استثنای مندرج در ماده ۲۰ قرار می گیرد یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا سیاستی که تدابیر و اقدامات بر اساس آن اتخاذ شده اند؛ از جمله سیاست هایی است که برای حفاظت از بهداشت و حیات اشخاص است و یا برای حفاظت از منابع طبیعی تجدید ناپذیر؟ و در مرحله دوم شامل ارزیابی این تدابیر با شروط صدر ماده فوق می شود.

ورود به مباحث مربوط به توجیه تدابیر زیست - محیطی مستلزم پاسخگویی به این پرسش مقدماتی است که بار اثبات ادعای مطابقت و عدم مطابقت اقدامات اتخاذ شده به موجب استثنای زیست - محیطی با کدام یک از طرفین است؟ پس در این بخش ابتدا به اثبات ادعا در سازمان جهانی تجارت (الف) و در ادامه، به توجیه تدابیر و اقدامات زیست - محیطی بند «ب» ماده ۲۰ مربوط به حفاظت از بهداشت و حیات اشخاص و جانوران یا حفاظت از گیاهان (ب)، و در نهایت، به بررسی بند «ز» ماده مزبور که به تدابیر مربوط به حفاظت از منابع طبیعی تجدید ناپذیر (ج) پرداخته است، خواهیم پرداخت.

الف) اثبات ادعا در پیشگاه سازمان جهانی تجارت

بنا بر یک ضرب المثل لاتینی^۱ هر کس که مدعی حقی باشد، باید آن را اثبات کند. این قاعده به تدریج وارد نظام های مختلف حقوقی و کیفری شده است. پرسشی که در اینجا مطرح می شود این است که آیا روند رسیدگی در سازمان جهانی تجارت هم از این قاعده سستی اثبات دعوا توسط مدعی پیروی می کند؟ به عبارت دیگر، بار اثبات ادعای مطابقت و عدم مطابقت اقدامات اتخاذ شده به موجب استثنای مندرج در ماده ۲۰ با کدام یک از طرفین است؟ یعنی آیا باید تفاوتی بین وضعیتی که در آن یک کشور اقدام خود را منطبق با استثنای زیست - محیطی می داند، و طرفی که ادعای خلاف آن را دارد؛ مبنی بر اینکه اقدامات مورد نظر با استثنای مزبور در تضاد هستند و مطابقتی ندارند، قائل شد؟

نه یادداشت تفاهم مربوط به قواعد و آیین های حاکم بر حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت و نه هیچ یک از سایر موافقت نامه های این سازمان، مقررات صریح و آشکاری در خصوص ادله پیش بینی نمی کنند. این موضوع در عمل از اهمیت بسزایی برخوردار است و به همین سبب، گروه های ویژه^۲ و ارگان پژوهش^۳ سعی کرده اند به نحوی از طریق گزارشهای خود این خلأ را پر کنند.

1. Actori incumbit probatio

۲. پانل یا گروه های ویژه Groupes spéciaux زمانی تشکیل می شوند که مشورتها بین طرفین ظرف ۶۰ متهی به راه حلی نشود. در این صورت، دولت خواهان می تواند تقاضای تشکیل هیات رسیدگی را بنماید و ارگان حل و فصل در اولین جلسه خود تشکیل یا عدم تشکیل پانل یا گروه ویژه را تصویب می کند. وظایف و اختیارات پانل به تفصیل در مواد ۷ و ۱۱ یادداشت تفاهم مربوط به قواعد و آیین های حاکم بر حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت ذکر شده است که از آن جمله می توان به ارزیابی عینی اختلاف مطروحه که شامل ارزیابی وقایع، اجرای مقررات موافقت نامه های مرتبط و مطابقت این وقایع با مقررات، مشورت منظم با طرفین اختلاف و دادن امکان و کمک به آنها جهت رسیدن به راه حل های مورد قبول طرفین، اشاره کرد (برای اطلاعات بیشتر در این خصوص رک: **Canal-Forgues (E.) Le**

.(règlement des différends à l'OMC, Bruylant- Bruxelles, 2004 :53-66

۳. ارگان پژوهش Organe d'appel ارگان پژوهش یکی از نوآوری های سازمان جهانی تجارت محسوب می شود که در موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۴۷) وجود نداشت. مطابق ماده ۱۷،۱ یادداشت تفاهم مربوط به قواعد و آیین های حاکم بر حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت، ارگان پژوهش رکنی دایم و متشکل از هفت نفر است که وظیفه اصلی آنها بررسی مسائل و موضوعات حقوقی و تفاسیر مندرج در گزارشهای گروه های ویژه است.

برای اولین بار این موضوع به تفصیل در رویه سازمان جهانی تجارت در قضیه البسه پشمی مطرح گردید. ارگان پژوهش در گزارش خود اعلام کرد که مراجع مختلف بین المللی، از جمله دیوان بین المللی دادگستری به طور سیستماتیک این قاعده را پذیرفته و اجرا کرده اند که مطابق با قاعده مزبور، اثبات وجود یک واقعه به عهده اعلام کننده آن اعم از خواهان یا خوانده است. ارگان پژوهش در ادامه می افزاید که معیار ادله رایج و مورد قبولی در رژیم های حقوق نوشته و کامن لا و بیشتر سیستم های حقوقی وجود دارد که مطابق آن، بار اثبات به عهده طرفی است - اعم خواهان یا خوانده - که از طریق ادعا یا دفاع خاص مدعی امری باشد (**Rapport de l'Organe d'appel, Etats-Unis - mesure affectant les importations de chemises, chemisiers et blouses, de laine tisses en provenance d'Inde, 6 janvier 1997: 15-16.**) پس ارگان پژوهش در گزارش خود بر این موضوع تأکید کرد که وظیفه اثبات بر عهده طرفی است که خواهان اثبات یک ادعا یا یک دفاع است. اگر یکی از طرفین دلایلی اقامه کند، اماره بر این است که آنچه می گوید، صحیح است و وظیفه اثبات بر عهده طرف دیگر است که نتوانسته استدلال کافی بر رد آن دلایل بیاورد. در واقع بار اثبات جابه جا می شود و در صورتی که طرف دیگر نتواند دلایل کافی برای رد آن دلایل ارائه دهد، حکم علیه او صادر خواهد شد. در قضیه اتحادیه اروپا - هورمون ارگان پژوهش تصریح کرد که: « شایسته است این موضوع را در نظر داشته باشیم که با شروع اثبات دلایل، در صورت فقدان رد مؤثر توسط خواننده، گروه ویژه متعهد است که به نفع خواهان که شروع دلیل را فراهم آورده است، تصمیم بگیرد. » (**Rapport de l'Organe d'appel, C. E. - Hormones: 104**)

با توجه به محتوا و شمول ماده ۲۰ که در صدر آن به مقررات تجاری و در طی دو بند به استثنای زیست - محیطی می پردازد، پرسشی مهمی که در عمل پیش می آید، این است که آیا سلسله مراتبی بین این مقررات وجود دارد؟ به عبارت دیگر، در صورت استناد به ماده مذکور، آیا تقدم و تاخیری بین صدر و قسمت اخیر این ماده در مرحله اثبات قابل تصور است؟ قضیه بنزین این فرصت را فراهم کرد که ارگان پژوهش به این پرسش پاسخ دهد. در قضیه فوق، ارگان پژوهش اعلام کرد که وظیفه نشان دادن مطابقت تدابیر اتخاذی با الزامات صدر ماده ۲۰ به عهده خواننده است. واقع، کسی که به استثنای ماده ۲۰ استناد می کند، در دو مرحله اثبات می کند: اولاً

اقداماتش در چارچوب یکی از استثنای مندرج در ماده ۲۰ اتخاذ شده و ثانیاً الزامات صدر ماده ۲۰ را نیز رعایت کرده است. توجیه اقدامات در مرحله اول و ارزیابی جدید اقدامات مزبور با توجه به شروط مقدماتی صدر ماده ۲۰ در مرحله دوم در اعمال استثنای این ماده مهم می نماید که اثبات مرحله دوم امری بسیار مشکل تر از مرحله اول است (**Rapport de l'Organe d'appel**,

Etats-Unis – Essence :23)

در قضیه میگو، ارگان پژوهش مجدداً متذکر شد که برای اجرا و تفسیر ماده ۲۰ باید تعادلی بین حق هر یک از اعضا در استناد به یکی از استثنای این ماده و حقوقی که سایر اعضا بنا بر مقررات ماهوی گات دارند، ایجاد شود؛ به نحوی که هیچ یک از حقوق موجب ابطال حق دیگری نشود یا تعادل حقوق و تعهدات وضع شده توسط خود اعضا در موافقت نامه را به خطر نیندازد (**Rapport**,

de l'Organe d'appel, Etats-Unis – Crevettes:159)

پس از توجیه اقدامات اتخاذی در قالب یکی از استثنای زیست - محیطی، باید این تدابیر در مرحله دوم بنا بر شروط صدر ماده ۲۰ ارزیابی شوند، زیرا از این طریق مشخص می شود که این اقدامات هدفی زیست - محیطی دارند یا اینکه تنها اقدامی حمایتی هستند. به عبارت دیگر، رعایت صرف شروط مندرج در بند های زیست - محیطی توجیه کننده عدول از تعهدات گات محسوب نمی شود، مگر اینکه این اقدامات توسط الزامات صدر ماده مورد ارزیابی شوند. ارزیابی این اقدامات مطابق صدر ماده مذکور، تضمین کننده پیشگیری از سوء استفاده از استثنای زیست - محیطی توسط طرفین اختلاف است. لذا رعایت سلسله مراتب از حیث توجیه اقدامات در مرحله اول و ارزیابی و مطابقت آن اقدامات با صدر ماده ۲۰، در عمل به عنوان معیار پذیرفته شده ای است که در رسیدگی به اختلافات مطروحه در سازمان جهانی تجارت مورد توجه قرار می گیرد. بنابراین، بین مواردی که باید توسط خواهان، کسی که در درجه اول معتقد است یکی از مقررات گات نقض شده و اینکه اقدامات و تدابیر اتخاذ شده با استثنای ماده ۲۰ تطابقی ندارد و موردی که باید توسط خواننده اثبات شود، تفاوت قائل شد. به عبارت دیگر، خواهان باید نقض مقررات خاصی از گات را اثبات کند و خواننده نیز اقدام به توجیه تدابیر و اقدامات خود بر اساس استثنای ماده ۲۰ و برآورده ساختن شروط صدر ماده مزبور بنماید.

ب) توجیه « ضرورت » جهت حفاظت از بهداشت و حیات اشخاص، جانوران و گیاهان مندرج در بند ب ماده ۲۰

در این قسمت ما سعی خواهیم کرد به طور مفصل به دلایل موجه استفاده و به کارگیری استثنای ماده ۲۰ پردازیم. در واقع، این دلایل همان سیاست‌هایی هستند که اقدامات و تدابیر اتخاذ شده، توسط طرفین متعاقد گات - یا امروزه بهتر بگوییم توسط دول عضو سازمان جهانی تجارت - مطابق آن صورت گرفته است. حفاظت از بهداشت و حیات اشخاص، جانوران و گیاهان، جملگی از مواردی هستند که با توجه به آنها و تحت شرایط خاصی می توان از مقررات گات عدول کرد.

متن موافقت نامه عمومی، تعریفی از تدابیر ضروری ارائه نمی دهد. به عبارت دیگر، هیچ گونه معیاری برای توصیف اقدامات ضروری وجود ندارد، ولی در عین حال تنها عاملی که به خوبی توانسته است این خلأ را پر کند، عملکرد ارگان حل و فصل است که با تفاسیر خود به تدریج این موضوع را روشن کرده است. در این باره می توان به گزارشهای متعدد گروه‌های ویژه اشاره کرد که معنا، دامنه و شمول شرط ضرورت را تعیین کرده اند.

در قضیه کره - گوشت گاو ۲ ارگان پژوهش بیان کرد که واژه ضرورت دارای معانی مختلفی است و می تواند به معنی ضرورت مادی مطلق یا غیر قابل اجتناب باشد و یا می تواند به معنی مناسب و مفید جهت تسهیل تحقق هدف مورد نظر توصیف گردد. به عبارت دیگر، ضرورت به معنی غیر قابل اجتناب یا ضرورت به معنی تسهیل تضمین رعایت قوانین و مقررات است. درج بند «ب» ماده ۲۰ در واقع پاسخگوی نیازی است که در خصوص اجرای تدابیر ضروری برای حفاظت از بهداشت و سلامت انسان، جانور و گیاه احساس می شد. توجه به بند «ب» گویای این واقعیت است که این بند در سیاق کلی ماده ۲۰ قرار گرفته است و کارکرد آن ممنوع کردن تدابیر زیست محیطی نیست بلکه بیشتر در جهت نظم و انتظام دادن به حق اعضای سازمان جهانی تجارت است و به موجب آن هر یک از اعضا مجازند مقررات خاص خویش را در خصوص حفاظت از بهداشت و حیات اشخاص، جانوران یا گیاهان تثبیت نمایند.

یکی از قضایای مطروحه در گات که در آن به بند ب ماده ۲۰ استناد گردید، قضیه مربوط به محدودیت های ورود و مالیات های داخلی نسبت به سیگار بین تایلند و ایالات متحده است. در واقع، در قضیه سیگار، گروه ویژه این موضوع را بررسی نمود که آیا تدابیر اتخاذ شده توسط تایلند در خصوص واردات سیگار که در تضاد با ماده ۱۱ گات است، توسط بند ب ماده ۲۰ توجیه شده است؟

گروه ویژه با موافقت طرفین اختلاف و کارشناس سازمان جهانی بهداشت پذیرفت که استفاده از دخانیات، خطری جدی برای سلامت اشخاص است و در نتیجه تدابیر مربوط به کاهش مصرف سیگار تحت شمول اجرای بند ب ماده ۲۰ قرار می گیرد. گروه مزبور متذکر شد که این مقرر به وضوح به طرفین متعاقد این اجازه را می دهد که به سلامت اشخاص اولویت بیشتری نسبت به آزادی تجارت دهند؛ علی‌رغم اینکه برای توجیه مقررات بند ب ماده ۲۰ باید آن تدابیر ضروری باشند

(Rapport du Groupe spécial, Thaïlande – restrictions à l'importation et taxes intérieures touchant les cigarettes, 7 novembre 1990: 73) تایلدن در توجیه علت ممنوعیت ورود سیگار به کشورش اعلام کرد که این اقدام در راستای سیاست آن کشور در قبال بهداشت عمومی و کاهش مصرف دخانیات به سبب مضر بودن آن برای بهداشت و سلامت است. این کشور معتقد بود که سیگارهای تولید شده توسط آمریکا دارای مواد مضرتری نسبت به سیگارهای تایلدنی است، زیرا تولیدکنندگان آمریکایی از مواد شیمیایی ناشناخته در تولید سیگار استفاده می کنند (ibid: 28). در مقابل، ایالات متحده اعلام کرد که منظور تنظیم کنندگان موافقت نامه عمومی این است که تدابیر مورد ادعای یک طرف متعاقد به موجب بند ب ماده ۲۰، باید انعکاسی از تدابیر حفاظتی مشابه در سطح ملی باشد؛ و همچنین، پیدایش این مقررات مبین این است که فرمول به کار رفته در صدر ماده ۲۰، که مطابق آن تدابیر نباید محدودیتی پنهان بر تجارت بین الملل باشد، این معنا و مفهوم را در سیاق بند ب خود نیز داراست. ایالات متحده همچنین متذکر شد که تدابیر حفاظتی مشابه با سیگارهای وارداتی در مورد سیگارهای تولید شده در داخل تایلدن اعمال نشده است.

در واقع، قضیه مزبور، یکی از اختلافاتی است که به خوبی به اجرای بند «ب» ماده ۲۰ و تفسیر واژه « ضرورت» می پردازد. گروه ویژه اعلام کرد که منظور از «ضرورت» عبارت است از اجازه به دول عضو برای تحمیل تدابیر و اقدامات محدودکننده تجاری ناسازگار با موافقت نامه عمومی برای تعقیب اهداف عالی عمل دولت تا جایی که چنین ناسازگاری و عدم تطابقی اجتناب ناپذیر باشد. گروه ویژه در این قضیه پذیرفت که استعمال سیگار خطر جدی برای بهداشت و سلامت افراد به همراه دارد و در نتیجه، تدابیر مربوط به کاهش مصرف سیگار در قلمرو شمول بند «ب» ماده ۲۰ قرار می گیرد و در ادامه متذکر می شود که این مقرر به وضوح به طرفین متعاقد اجازه می دهد که به سلامت و بهداشت افراد نسبت به آزاد سازی تجارت اولویت داده شود، ولی برای توجیه مقررات بند «ب» باید تدابیر و اقدامات ضروری باشند (Rapport du Groupe spécial, Thaïlande – restrictions à

(L'importation et taxes intérieures touchant les cigarettes, 7 novembre 1990:73.

گروه ویژه اعلام کرد که معنا و مفهوم واژه «ضروری» برای اولین بار قبل از این، در سال ۱۹۸۹ در قضیه آمریکا - ماده ۳۳۷ قانون گمرکی ۱۹۳۰ تجزیه و تحلیل گردید. در این قضیه، گروه ویژه در رابطه با بند «د»^۱ ماده ۲۰ اعلام کرد که اعضا نمی توانند تدبیر و اقدامی را که با مقررۀ دیگری از موافقت نامه عمومی در تضاد است، توجیه و آن را بنا بر بند «د» ضروری اعلام کنند. همچنین در زمانی که تدبیر و اقدام سازگار با سایر مقررات موافقت نامه عمومی به صورت معقول در دسترس نیست، طرفین متعهد هستند از میان تدابیر و اقدامات، تدبیر و اقدامی را که به صورت معقول در اختیار دارند و کمترین درجه ناسازگاری و تضاد را با سایر مقررات موافقت نامه عمومی دارد، مورد استفاده قرار دهند (Rapport du Groupe spécial, Etats-Unis - Article 337 de la loi douanière de 1930: 5.26.) در نهایت، گروه ویژه نتیجه گرفت که محدودیت های اعمال شده بر واردات توسط تایلند نمی تواند بنا بر بند «ب» ماده ۲۰ ضروری تلقی شود، مگر اینکه تدابیر و اقدامات سازگار یا کمتر ناسازگار با موافقت نامه عمومی وجود نداشته باشد که بتوان به طور معقول برای نیل به اهداف سیاست بهداشت مورد استفاده قرار داد.

ج) توجیه و مفهوم «منابع طبیعی تجدید ناپذیر» مندرج در بند «ز» ماده ۲۰

بند «ز» در خصوص تعریف منابع طبیعی ساکت است و تنها به ذکر دو شرط، عدول از مقررات تجاری را پیش بینی می کند که اولاً این تدابیر مربوط به حفاظت از منابع طبیعی تجدید ناپذیر باشد و در ثانی، چنین تدابیری به همراه محدودیت هایی بر تولید یا بر مصرف ملی اعمال شده باشد. پرسش مهم و حساس در این خصوص، تعیین و تشخیص منابعی است که واجد خصیصۀ تجدید ناپذیری هستند، زیرا با تمسک و استناد به این ویژگی می توان از استثنای مندرج در بند «ز» جهت حمایت از آن منبع استفاده کرد.

عام بودن این بند و فقدان تعریفی مشخص از منابع طبیعی تجدید ناپذیر، سبب تفاسیر گوناگونی می شود، زیرا کلی و عام بودن این واژه، راه را برای کشورها جهت عدول از مقررات تجاری گات تسهیل کرده، موجبات بروز اختلاف را فراهم می سازد. بررسی رویه گات و سازمان

۱. بند «د» ماده ۲۰ اشعار می دارد که: «اتخاذ تدابیر و اقداماتی که برای تضمین رعایت قوانین و مقرراتی که با موافقت نامه ناسازگار نیست، ضروری است»

جهانی تجارت، مبین این واقعیت است که به نحوی با این موضوع در قضایای گوناگون روبه‌رو بوده است. لذا برای روشن شدن این مفهوم در اختلافات تجاری، ابتدا رویه گات و بعد از آن رویه سازمان جهانی تجارت تجزیه و تحلیل می‌گردد.

اصولاً در بعضی از موارد، کشورها اساساً اختلاف چندانی در خصوص مصادیق منابع طبیعی نداشتند که از آن جمله می‌توان به قضیه ممنوعیت ورود ماهی های تن از کانادا به ایالات متحده اشاره کرد. در این قضیه، هر دو کشور کانادا و ایالات متحده بر تجدید ناپذیر بودن ماهی های تن اتفاق نظر داشتند و به همین دلیل، گروه ویژه از ورود به بحث خودداری کرد و تنها به این موضوع اکتفا کرد که هر دو کشور امضاء کننده کنوانسیون های بین المللی مربوط به بهبود نگهداری از این ذخیره ها هستند و هر دو طرف نیز بر این نکته تأکید داشتند که ذخیره های ماهی های تن به عنوان منابع طبیعی تجدید ناپذیر محسوب شده، نگهداری و حفاظت از آن منابع باید مدیریت و اداره گردد. با وجود این، گروه ویژه متذکر شد که برای استناد به بند «ز» ماده ۲۰ جهت اتخاذ تدابیر مربوط به حفظ و نگهداری، باید شرط مندرج در این ماده، دال بر اعمال چنین تدابیری به همراه محدودیت هایی بر تولید یا بر مصرف ملی، اعمال شود (**Rapport du Groupe spécial, Etats-Unis - interdiction des importations de thonnet de produits du thon en provenance du Canada: 4.9**)

دومین قضیه مربوط به اختلاف بین ایالات متحده آمریکا و مکزیک در سال ۱۹۹۱ در خصوص واردات ماهی های تن است که به قضیه تن اول معروف است. ایالات متحده آمریکا ورود ماهی های تن از مکزیک به این کشور را به این دلیل ممنوع کرد که روش ها و فنون به کار گرفته شده توسط این کشور سبب به دام افتادن گونه های پستاندار دریایی (دلفین ها) حفاظت شده می شود. به عبارت دیگر، ماهی تن صید شده در مکزیک اصطلاحاً «اکولوژیک» نیستند، زیرا روش ها و فنون صید در مکزیک موجب لطمه به یک گونه در معرض انقراض (دلفین) می شود، در حالی که ماهی های تن آمریکا به این صورت نمی باشد. به حدی که حتی در سال ۱۹۹۱ آمریکا اقدام به تصویب قانونی در جهت حمایت از دلفین ها با عنوان « قانون مربوط به اطلاع رسانی مصرف کننده برای حفاظت از دلفین ها^۱ کرد. قانون مزبور، برچسب زنی اختیاری را تجویز می کند تا مضر بودن یا نبودن نحوه صید محصولات صادره یا فروخته شده به ایالات متحده برای دلفین ها

روشن شود. شایان ذکر است که ایالات متحده آمریکا قبل از این؛ یعنی در سال ۱۹۷۲ قانونی در خصوص حفاظت از پستانداران دریایی^۱ تصویب نمود که به موجب مقررات این قانون، صیادان آمریکایی و غیر آمریکایی، مکلف به رعایت روش ها و فنون صیادی پیش بینی شده در این قانون هستند. پرسش های اساسی مطروحه در گروه ویژه از این قرار بود که آیا آمریکا می تواند از ورود ماهی های تن کشور دیگری که مقررات مربوط به روش ها و فنون صید مربوط به حفاظت از دلفین ها را رعایت نمی کند، جلوگیری نماید؟ به عبارت دیگر، آیا یک کشور می تواند مقررات زیست - محیطی خود را به کشور ثالثی تحمیل کند؟ و دوم اینکه آیا قواعد تجاری اجازه می دهند تدابیری علیه روش ها و فنون تولید یک محصول اتخاذ گردد؟

گروه ویژه در ارتباط با پرسش اول اعلام کرد که آمریکا نمی توانسته است از ورود محصولات ماهی تن مکزیکی به این دلیل جلوگیری کند که مقررات مربوط به روش تولید مکزیکی، مقررات آمریکا را رعایت نکرده است؛ اما این کشور می تواند مقرراتش را در خصوص کیفیت یا محتوای محصولات ماهی تن وارده اعمال نماید. در واقع، مشکل اساسی در این خصوص به «محصول» یا کالای تولید شده مربوط می شد، نه «فرآیند تولید». بنا به نظر گروه ویژه، یک کشور نمی تواند تجارت کالاها را به سبب فرآیندهای تولید یا تولید غیر اکولوژیک محدود کند. گروه ویژه از پذیرش استناد ایالات متحده به استثنای بندهای «ب» و «ز» ماده ۲۰ امتناع کرد، زیرا به نظر آن مرجع، تدابیر اتخاذ شده باید انحصاراً در قلمرو صلاحیت ملی دولت وارد کننده یا در جاهایی که به موجب اسناد بین المللی دارای صلاحیت است، اعمال شود. تدابیر با قلمرو فراسرزمینی در چارچوب موافقت نامه عمومی، تنها در اوضاع و احوال استثنایی پذیرفته می شود. بنابراین، در این قضیه تدابیر لحاظ شده، نمی توانند به عنوان تدابیر ضروری تلقی شوند و اما در مورد اینکه آیا دلفین ها جزو منابع طبیعی تجدید ناپذیر هستند، هر دو کشور مکزیکی و ایالات متحده توافق کردند. اما در اختلاف دیگر بین کمیسیون اقتصادی اروپا و هلند با ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۴ در خصوص واردات ماهی تن که به قضیه تن دوم معروف است، باز به نوعی به ماده ۲۰ پرداخته شده است. گروه ویژه در گزارش خود اعلام کرد که اقدام آمریکا در تضاد با بند یک ماده ۱۱ است که در آن موضوع حذف کلی ممنوعیت های کمی را پیش بینی می کند و از طرف دیگر، اقدام آن کشور با توجه به استثنای مندرج در بندهای «ب»، «د»، «ز» ماده ۲۰ توجیه نشده است.

موضوع حایز اهمیت در قضیه تن ۲ این است که گزارش گروه ویژه بیانگر توسعه قابل توجهی نسبت به گزارش قبلی خود در قضیه تن ۱ است. این توسعه و تحول به خوبی از رویکرد گروه ویژه نسبت به اجرای فراسرزمینی مشخص می‌شود، زیرا گروه مزبور اعلام کرد که گات تدابیر مربوط به موضوعها یا اقدامات خارج از صلاحیت سرزمینی طرفی که چنین تدابیری را تصویب می‌نماید، محکوم نمی‌کند. در ضمن، گروه در گزارش خود بر این نکته تأکید کرد که تدابیر آمریکا در خصوص حفاظت از دلفین ها و نگهداری از منابع طبیعی تجدید ناپذیر را می‌پذیرد؛ اگر چه این تدابیر در شمول بندهای «ب، ز» ماده ۲۰ قرار نمی‌گیرد.

و اما در سازمان جهانی تجارت نیز قضایایی در رابطه با تفسیر منابع طبیعی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به قضیه نرمهای مربوط به بنزین جدید و فرمول قدیم و همچنین به قضیه میگو - لاک پشت دریایی اشاره کرد. در مورد قضیه اول، ایالات متحده آمریکا به موجب قانون هوای پاک ۱۹۹۰ خود تصمیم به مبارزه علیه آلودگی هوا ناشی از هیدروکربور گرفت. قانون مزبور که از اول ژانویه ۱۹۹۵ لازم الاجرا گردید، سیستم‌هایی جهت تعیین آستانه‌هایی هیدروکربورهای تصفیه، توزیع یا وارد شده به قلمرو ایالات متحده را پیش بینی می‌کرد. مطابق با این سیستم، بنزین‌هایی که آستانه کیفی تعیین شده را به دست نیاورند، مجاز برای عرضه در ایالات متحده نیستند. به دنبال این اقدام ایالات متحده، در ۲۱ ژانویه ۱۹۹۶ دو کشور برزیل و ونزوئلا با توجه به نقض اصل رفتار ملی توسط آمریکا در ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت طرح دعوا کردند. به نظر کشورهای مزبور آستانه کیفیت بنزین تعیین شده در اجرای قانون ۱۹۹۰ بر تولید کنندگان خارجی تحمیل گردیده است، بدون اینکه با آنها مشورتی شده باشد. به نظر آمریکا، نقض اصل رفتار ملی با توجه به بند «ز» ماده ۲۰ گات قابل توجیه است. گروه ویژه متذکر شد که توجیه آمریکا دال بر اینکه هوای پاک یک منبع طبیعی تجدید ناپذیر مطابق با بند ز ماده ۲۰ است، زیرا هوا می‌تواند توسط آلاینده‌هایی چون آلاینده‌های ناشی از مصرف بنزین تجدید ناپذیر شود. تدابیر مربوط به مبارزه علیه آلودگی، تدابیری مربوط به حفظ و نگهداری از منابع طبیعی تجدید ناپذیر بوده است. ونزوئلا استدلال آمریکا را رد می‌کرد؛ به این دلیل که به نظر آن کشور هوا جزو منابع طبیعی تجدید ناپذیر نیست و بهتر است بگوییم این «وضعیت» هوا است که از نظر پاک یا ناپاک بودن تغییر کرده است. اساس بند «ز» ماده ۲۰ بر این است که بر استخراج محصولاتی چون نفت و زغال سنگ اعمال شود و توسعه قلمرو و شمول آن به «وضعیت» منابع تجدید ناپذیر توجیه کننده نیست.

گروه ویژه اعلام کرد که هوای پاک یک منبع با ارزش و طبیعی است و می تواند تجدید ناپذیر گردد و این واقعیت که منبع غیر قابل تجدید با توجه به کیفیتش تعیین شود، مبنای تصمیم گروه ویژه نیست. بنابراین، گروه به این نتیجه رسید که سیاست مربوط به محدود کردن تجدید ناپذیری هوای پاک، یک سیاست حفاظتی از یک منبع طبیعی بوده است که در چارچوب بند ۲۰ ماده ۲۰ قرار می گیرد (Rapport du Groupe spécial, Etats-Unis - Essence:6.37) به دنبال گزارش گروه ویژه، ایالات متحده آمریکا از ارگان پژوهش درخواست کرد که به بعضی از مسائل و تفاسیر حقوقی مندرج در گزارش مزبور رسیدگی نماید. پس از تقاضای ایالات متحده، ارگان پژوهش ابتدا مطابقت تدابیر (آمریکا) را با بند ۲۰ ماده ۲۰ و بعد مطابقت آن را با صدر ماده مورد توجه قرار داد. در خصوص بند «ز»، این مرجع افزود که هوا یک منبع طبیعی تجدید ناپذیر است و تدابیر اتخاذ شده توسط ایالات متحده نیز با حفاظت از منابع طبیعی غیر قابل تجدید ناپذیر است.

و اما در قضیه میگو - لاک پشت دریایی نیز موضوع منابع طبیعی بدین صورت مطرح گردید که در اجرای قانون ۱۹۷۳ در مورد گونه های دریایی در معرض انقراض، ایالات متحده در سال ۱۹۸۷ با انتشار آیین نامه های الزام آوری برای تمامی صیادان میگوی آمریکا جهت حفاظت از لاک پشت های دریایی از طریق کاهش زمان تور گذاری صیادی در مناطق معین اقدام کرد. این آیین نامه ها به گونه ای اصلاح شدند که در تمام فصول و در تمام جاها یی که تور گذاری میگو، خطری برای لاک پشت های دریایی در بر داشته باشد، به اجرا گذاشته شود. بند اول ماده ۶۰۹ قانون ۲۱ نوامبر ۱۹۸۹ واردات میگوی صید شده با فنون صید تجاری مضر برای لاک پشت های دریایی را ممنوع اعلام می کند و در بند ۲ همین ماده مقرر می دارد که ممنوعیت ورود میگوها در کشورهایی که تأیید شده اند، اعمال نمی شود. بنابراین، بر عکس، صادرات کشورهایی چون هند، مالزی، پاکستان و تایلند که مورد تأیید نشده، ممنوع می شود. پس این مقررات موجد تبعیض غیر موجهی برای کشورهایی که صیدشان مطابق با قانون فوق نبوده است مورد تأیید قرار نگرفته اند، در حالی که با تصویب دستورالعمل هایی در سال ۱۹۹۱ کشورهای منطقه کارائیب و اطلس غربی از یک موعد سه ساله اضافی برای به اجرا گذاشتن تأییدیه و کنوانسیون آمریکایی برای حفاظت از لاک پشت های دریایی^۱ منعقد شده بین ایالات متحده و بعضی از کشورهای آمریکای جنوبی برخوردار شدند. بنابراین، به نظر می رسد که این دستورالعمل ها و کنوانسیون، به وجود یک اختلاف رفتاری

1. Convention interaméricaine pour la protection et la conservation des tortues marines

در روابط با دول ثالث قائل شده است و به همین علت هند، مالزی، پاکستان و تایلند از ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت درخواست رسیدگی به این قضیه را کردند.

با طرح این قضیه، گروه ویژه در گزارش خود اعلام کرد که ممنوعیت ورود میگو و محصولات مشتقه از آن در اجرای قانون ۶۰۹ مطابق با بند ۱ ماده ۱۱ نیست و نمی تواند بنا بر ماده ۲۰ توجیه شود. به دنبال این گزارش، ایالات متحده آمریکا از ارگان پژوهش تقاضای رسیدگی کرد. در واقع ارگان پژوهش باید در خصوص مطابقت این تدابیر با قواعد موافقت نامه عمومی تصمیم بگیرد. به نظر ایالات متحده، این مقررات کاملاً منطبق با ماده ۲۰ موافقت نامه عمومی است و جهت حفاظت از منابع طبیعی تجدید ناپذیر اتخاذ شده است.

ارگان پژوهش اعلام کرد که گروه ویژه در استنتاجهایش مرتکب اشتباه شده است، زیرا در تجزیه و تحلیل خود ترتیب مرحله به مرحله پیش بینی شده توسط قواعد عرفی حقوق بین الملل عمومی را همچنان که در ماده ۳،۲ یادداشت تفاهم موافقت نامه مربوط به قواعد و آیین حل و فصل اختلافات آمده است، رعایت نکرده است؛ چیزی که قبل از این نیز در قضیه بنزین مطرح شده بود و بر دوگانگی مطابقت تدابیر با بند «ز» ماده ۲۰ و مطابقت آن با صدر ماده مورد توجه و تأکید قرار گرفته بود.

با وجود این، اقدامات آمریکا از حیث مطابق بودن با بند ز ماده ۲۰ قابل توجیه است، زیرا اولاً لاک پشت های دریایی، بویژه پنج گونه از آن توسط کنوانسیون سایتس مورد حمایت قرار گرفته و جزو منابع طبیعی تجدید ناپذیر محسوب می شوند؛ ثانیاً، تدابیر مربوطه مستقیماً در ارتباط با حفاظت از منابع طبیعی تجدید ناپذیر است و در نهایت اینکه از سال ۱۹۸۷ تدابیر به همراه محدودیت هایی بر تولید یا مصرف ملی میگو اعمال شده است و میگو های آمریکایی تابع مقررات مشابه بوده اند. پس، تدابیر مورد اعتراض (ماده ۶۰۹) به معیارهای بند ز ماده ۲۰ پاسخ می دهد و به طور موقت با این عنوان توجیه گردید؛ ولی این گزارش، ایالات متحده را به سبب تدابیر تبعیض خود سرانه محکوم می کند، اما لاک پشت های دریایی را جزو منابع طبیعی تجدید ناپذیر و تدابیر اتخاذ شده ایالات متحده برای حفاظت از لاک پشت ها را توجیهی موقت تلقی می کند.

با توجیه تدابیر و اقدامات اتخاذ شده در قالب استثنای زیست - محیطی، مقدمات عدول از مقررات تجاری فراهم می شود، ولی این امر به تنهایی کفایت نمی کند، بلکه باید در مرحله دوم این تدابیر و اقدامات با شروط صدر ماده ۲۰ ارزیابی گردند.

بخش دوم: ارزیابی تدابیر و اقدامات زیست - محیطی با شروط صدر ماده ۲۰ موافقت نامه عمومی

تعرفه و تجارت

بعد از تحقق شروط بندهای ذیل ماده ۲۰، گروه‌های ویژه یا ارگان پژوهش شرایط مقدماتی صدر ماده را به اجرا می‌گذارند. بنابراین، برای توجیه و موجه شدن هر یک از بندهای ذیل ماده ۲۰ باید توسط شروط صدر این ماده نیز ارزیابی شوند تا اقدامات و تدابیر اتخاذ شده توسط هر یک از طرفین به صورتی اعمال نشوند که ابزار تبعیض خودسرانه یا غیر موجه بین کشورهای که دارای همان شرایط هستند، شوند و یا که موجب محدودیتی پوشیده بر تجارت بین‌المللی نگردد.

پس با این اوصاف، صدر ماده ۲۰ دو معیار کلی در قبال استثنای زیست - محیطی مطرح می‌کند: اول، معیار عدم تبعیض خودسرانه یا غیر موجه، و دوم، عدم محدودیت پوشیده بر تجارت بین‌المللی. این دو معیار در قضایای مختلفی از جمله « بنزین » و « لاک پشت-میگو » مورد توجه ارگان پژوهش قرار گرفته است. ارگان پژوهش اعلام کرد که تدابیر ملی محدود کننده در مورد دو گونه به طور موقت بنا بر بند «ز» ماده ۲۰ توجیه شده اند. با این وصف، این مطابقت کافی نیست، زیرا ارگان مزبور به طور کامل تدابیر اتخاذ شده توسط خواننده (آمریکا) را تأیید نمود. در واقع، زمانی که از ارگان پژوهش تقاضای رسیدگی نسبت به مطابقت این تدابیر با ماده ۲۰ شد، ارگان این مطابقت را در دو مرحله مورد توجه قرار داد: در اولین مرحله، این مرجع مطابقت تدابیر را نسبت به بند «ز» مورد بررسی نمود و سپس مطابقت آن تدابیر را با مقررات صدر ماده ۲۰ ارزیابی کرد.

ارگان پژوهش در قضیه میگو، دامنه و شمول کلی مندرجات صدر ماده ۲۰ را تنها مبین اصل حسن نیت معرفی می‌کند. ارگان اعلام می‌دارد که این اصل یکی از اصول کلی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود که بر اجرای حقوق دولت‌ها حاکم است. یکی از کاربردهای رایج این اصل در دکتترین سوء استفاده از حق است که ممنوعیت سوء استفاده از حقوق را در مرحله اجرا مورد توجه قرار می‌دهد و مقرر می‌دارد که در زمان درخواست یک حق باید با حسن نیت؛ یعنی به صورت معقول اعمال شود. سوء استفاده‌ک عضو از حقوق معاهده ای خود ترجمان نقض حقوق معاهده ای

سایر اعضاست (Rapport de l'Organe d'appel, Etats Unis-Crevettes:158).

برای تفسیر و اجرای صدر ماده باید اساساً تعادلی بین حق هر یک از اعضا در استناد به یکی از استثنای این ماده و حقوقی که سایر اعضا بنا بر مقررات ماهوی گات دارند، ایجاد شود؛ به گونه‌ای که هیچ یک از حقوق موجب ابطال حق دیگری نشود، یا تعادل حقوق و تعهدات وضع

شده توسط خود اعضا در موافقت نامه را به خطر نیندازد. تعیین و تشخیص نقطه تعادل مندرج در صدر ماده ۲۰ ثابت و تغییر ناپذیر نیست و این نقطه با توجه به نوع و شکل تدابیر مورد نظر متنوع و از قضیه‌ای به قضیه دیگر متفاوت است. در رابطه با کارکرد صدر ماده ۲۰، ارگان پژوهش در قضیه بنزین اعلام کرد که هدف و موضوع شروط مقدماتی ماده ۲۰ عموماً پیشگیری از «سوءاستفاده از استثنای احصاء شده در [ماده ۲۰]» است و عنصر بنیادین هدف و موضوع جلوگیری از سوءاستفاده استفاده نامشروع از استثنای قواعد ماهوی پیش بینی شده در این ماده است. صدر ماده ۲۰ بر این اصل استوار است که اعمال یک حق نباید در تضاد با تعهدات قانونی ناشی از قواعد ماهوی موافقت نامه عمومی باشد. به عبارت دیگر، برای جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده نادرست از این استثنای، اقدامات و تدابیر مربوط به استثنای خاص، باید به شیوه ای معقول و با توجه کامل به تعهدات قانونی طرف استناد کننده به استثنای و حقوق قانونی سایر طرفین ذی‌نفع اجرا گردد (Rapport de l'Organe d'appel, Etats Unis-Essence: 23).

بنابراین، برای ایجاد تعادل بین تعهدات اصلی گات و استثنای ذیل ماده ۲۰، شرایط صدر ماده مزبور وضع شده اند که باید برآورده شوند. به موجب صدر ماده ۲۰، سه معیار باید برآورده شود: اولاً، گروه ویژه تعیین کند که آیا تدبیر اتخاذ شده ابزار تبعیض غیر موجه است؟ ثانیاً، آیا تدبیر اتخاذ شده ابزار تبعیض خودسرانه است؟ ثالثاً، در صورتی که هیچ یک از موارد نباشد، گروه ویژه به بررسی این موضوع می پردازد که آیا تدبیر اتخاذ شده محدودیت پوشیده ای بر تجارت بین المللی است؟ (Rapport de l'Organe d'appel, Etats Unis-Crevettes:150) به منظور جلوگیری از بهره مند شدن تدابیر حمایتی از مندرجات ماده ۲۰، باید تنها یکی از سه معیار فوق اثبات شود. برای مثال، در قضیه میگو، ارگان پژوهش اعلام کرد که با تحقق این امر که تدبیر مورد نظر ابزار تبعیض غیر موجه و خودسرانه ای بین کشورهای که دارای همان شرایط هستند، محسوب می شود، دیگر ضرورتی به بررسی اینکه آیا تدبیر به صورتی اعمال شده که محدودیت پوشیده بر تجارت بین المللی است یا خیر، وجود ندارد (Rapport de l'Organe d'appel, Etats Unis-Crevettes: 184).

پس با توجیه استثنای ماده ۲۰ و رعایت شروط صدر آن موجبات عدول از تعهدات تجاری جهت حفاظت از محیط زیست فراهم می شود. حال باید دید این شروط کدامند و از چه اهمیتی برخوردارند. نگاه اولیه به این ماده، مبین این واقعیت است که در صدر آن به اصول بنیادین تجارت

بین الملل اشاره می کند. پس به منظور روشن شدن موضوع در ابتدا به صورت اجمالی با اصول مزبور آشنا می شویم (الف) تا در پرتو آن بتوانیم با نحوه ارزیابی تدابیر و اقدامات زیست - محیطی با معیارهای عدم تبعیض خودسرانه یا غیر موجه (ب) و عدم محدودیت پوشیده بر تجارت بین المللی (ج) مندرج در صدر ماده ۲۰ پی ببریم.

الف) اصول بنیادین سازمان جهانی تجارت

سازمان جهانی تجارت به منظور نیل به اهدافش، اصولی را مشخص کرده است که غالب آنها در واقع همان اصول بنیادین گات ۴۷ هستند. این اصول در فلسفه وجودی گات به منظور سازمان دادن روابط تجاری بین المللی و مبارزه علیه سیاست های حمایتی در راستای آزاد سازی تجارت، کاهش عمومی و تدریجی تعرفه های گمرکی و الغای تبعیض در تجارت وضع شده است. اصل عدم تبعیض، یکی از اصول بنیادین تجارت بین الملل است که توسط دو شرط ملت کامله الوداد (شرط عنایت مساوی)^۱ و شرط رفتار ملی محقق می شود. این دو شرط در غالب موافقت نامه های تجاری عمومیت پیدا کرده است. اصل عدم تبعیض در تجارت قلب سیستم تجارت چند جانبه بین المللی را تشکیل می دهد و سبب پیشگیری از اعمال تبعیض در روابط تجاری بین اعضاء می شود. از نظر هدف اصل عدم تبعیض در پی جلوگیری از هر گونه تبعیض بین کشورهای متعاقد از یک طرف و از طرف دیگر، در صدد پیشگیری از هر گونه تبعیض بین کالاهای ملی و کالاهای صادراتی برای فروش در بازار داخلی است.

شرط ملت کامله الوداد، بیشتر در معاهدات تجاری مرسوم است.^۲ با اجرای آن طرفین می توانند از شرایط رقابت برابر برای دسترسی به بازارهای سایر دول عضو معاهده بهره مند شوند؛ و در صورت نقض این شرط، هریک از طرفین متعاقد، از آن بهره مند شوند. برای مثال، در صورتی که یکی از متعاهدین به موجب یک معاهده به دولت ثالثی در خصوص موضوع همان معاهده ای که مشمول این شرط است، مزایا و امتیازاتی مناسبتری اعطا کند، سایر متعاهدان بدون اینکه نیاز به

۱. در زبان فارسی، نویسندگان ترجمه های گوناگونی از واژه انگلیسی most-favored-nation treatment و فرانسه clause de la nation la plus favorisée ارائه داده اند. بعضی ها آن را « شرط دولت کامله الوداد» یا « شرط ملت کامله الوداد» و بعضی دیگر آن را « رفتار دولت کامله الوداد» یا « شرط عنایت مساوی» نامیده اند.

۲. موافقت نامه عمومی مربوط به تجارت خدمات (ماده ۲) و موافقت نامه های مربوط به جنبه های حقوق مالکیت معنوی مربوط به تجارت (ماده ۴).

تقاضا باشد، از این مزایا و امتیازات برخوردار می شوند. شرط ملت کامله الوداد، در ماده یک موافقت نامه پیش بینی شده است و مطابق با آن «تمام مزایا، مساعدتها، امتیازات یا معافیت های اعطاء شده توسط هر یک از طرفین متعاقد، به محصولی که مبدا و مقصد آن، کشور دیگر باشد، فوراً و بدون قید و شرط، به محصولات مشابهی که مبدا یا مقصدشان سرزمین هر یک از طرفین متعاقد دیگر است، تسری پیدا می کند [...]».

شرط رفتار ملی نیز همانند شرط ملت کامله الوداد نقش مهمی در اعمال اصل عدم تبعیض در تجارت بازی می کند.^۱ مطابق آن تمام طرفین متعاقد باید در قبال کالاهای خارجی وارداتی رفتاری همانند رفتار با کالاهای ملی داشته باشند. هدف این شرط، حفظ رقابت بین محصولات وارداتی و محصولات ملی است. این شرط در صدد جلوگیری از اعمال سیاست های حمایتی است و تنها زمانی کارایی دارد که کالا یا خدمات به بازار داخلی وارد شده باشد. ماده ۳ موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت به رفتار ملی اختصاص یافته است و بنا بر آن «طرفین متعاقد تأیید می کنند که مالیات ها و سایر هزینه های داخلی، قوانین، مقررات مربوط به فروش، عرضه، خرید، حمل و نقل، توزیع یا استفاده از محصولات در بازار داخلی و همچنین مقررات مقداری داخلی نباید به گونه ای اعمال گردند که به حمایت از تولیدات داخلی منتهی شود [...]».

کانون اصلی توجه اکثر موافقت نامه های سازمان جهانی تجارت، نفی تبعیض بین اعضای سازمان است. بعلاوه، شایان ذکر است که این اصول بعضاً در اسناد بین المللی مربوط به محیط زیست نیز وارد شده اند که از آن جمله می توان به اعلامیه اصول جنگل ها (اصل ۱۳)، اعلامیه ریو (اصل ۱۲) و دستور ۲۱ (فصل ۳۹) اشاره کرد.

ب) معیار عدم تبعیض خودسرانه یا غیر موجه

یکی از این شروط، اعمال تدابیر و اقدامات تبعیض آمیز غیر موجه است. در صورت مبادرت هر یک از کشورها به این تدابیر، امکان استفاده و به کارگیری استثنای کلی مندرج در ماده ۲۰ از آن کشور سلب می گردد. برای اینکه اقدامات و تدابیر یک کشور به منزله ابزار و وسیله تبعیض آمیز

۱. نک: موافقت نامه عمومی مربوط به تجارت خدمات (ماده ۱۷) و موافقت نامه های مربوط به جنبه های حقوق مالکیت معنوی مربوط به تجارت (ماده ۳).

غیر موجه بین کشورها تلقی نشود، باید واجد دو معیار باشد: ۱- تلاش و کوشش جدی جهت مذاکره؛ ۲- قابل انعطاف بودن تدابیر و اقدامات.

تلاش و کوشش جدی جهت مذاکره و همکاری با کشور و کشورهای طرف اختلاف به منظور حل مشکلات حاصله در روابط تجاری خود به عنوان اولین معیار مهم در این حوزه تلقی می شود. البته شایان ذکر است که این مذاکره باید به صورت تبعیض آمیز اعمال نشود؛ یعنی با بعضی از کشورها این مذاکره به صورت جدی انجام شود، در حالی که با بعضی دیگر هیچ گونه مذاکره ای صورت نپذیرد. مثال عینی این وضعیت به خوبی در قضیه میگو مشاهده می شود، زیرا ارگان پژوهش اعلام کرد که جنبه دیگر اجرای ماده ۶۰۹ زمانی اهمیت زیادی پیدا می کند که تعیین موجه بودن یا نبودن تبعیض مطرح باشد. هنگامی که ایالات متحده از انجام مذاکرات جدی و کلی با پژوهش خواهان و سایر اعضای صادرکننده میگو به آمریکا، به منظور انعقاد موافقت نامه های دوجانبه یا چند جانبه برای حفاظت و نگهداری از لاک پشت های دریایی، قبل از اعمال ممنوعیت های وارداتی بر صدور میگوهای سایر اعضا خودداری کرد، ارگان پژوهش اعلام کرد که ایالات متحده آمریکا از مذاکره با کلیه صادر کنندگان میگو به این کشور امتناع کرد و تنها با بعضی از صادر کنندگان میگو وارد مذاکره شد و به همین جهت نیز ارگان فوق در گزارش خود اقدام آن کشور در خودداری از مذاکره با بعضی از صادر کنندگان میگو را تبعیضی غیر موجه محسوب کرد (**Rapport de l'Organe** 172: **d'appel, Etats Unis-Crevettes**). بنا بر تفسیر گروه ویژه در قضیه میگو و تأیید آن توسط ارگان پژوهش به نظر می رسد که ارگان پژوهش به خود مذاکرات توجه داشته، نه انعقاد یک موافقت نامه. در نتیجه، ایالات متحده متعهد به مذاکره جدی با حسن نیت جهت نیل به یک موافقت نامه قبل از توسل به تدابیر یکجانبه بوده است. گروه ویژه نتیجه می گیرد که ایالات متحده دارای تعهدات زیر جهت پرهیز از تبعیض غیر موجه است:

الف) ایالات متحده باید ابتکار مذاکره ای را که قبل از این با دیگر کشورهای صیاد (کارائیب و اطلس غربی) داشته، با پژوهش خواهان داشته باشد؛ ب) مذاکرات باید با مشارکت تمامی طرفین ذی نفع و با هدف ایجاد طرق وفاق عامی برای حفاظت و نگهداری از لاک پشت های دریایی در معرض انقراض صورت گیرد؛ ج) ایالات متحده باید به طور جدی و با حسن نیت مذاکره می کرد؛ د) کوشش های جدی با حسن نیت باید قبل از تحمیل ممنوعیت واردات یکجانبه صورت می

گرفت (**Rapport du Groupe spécial, Etats-Unis – Crevettes:5.66**).

قابلیت انعطاف، دومین معیاری است که در تبعیض موجه یا غیر موجه تدابیر و اقدامات مورد توجه قرار می گیرد. اجرای تدابیر و اقدامات به صورت انعطاف ناپذیر و سرسختانه موجب تبعیض غیر موجه می گردد که می تواند با بی توجهی به شرایط موجود در کشورهای دیگر محقق شود. ارگان پژوهش در قضیه میگو اعلام کرد که فقدان انعطاف پذیری در توجه به وضعیت های متفاوت در کشورهای گوناگون معادل یک تبعیض غیر موجه است، به ویژه در مورد ماده ۶۰۹ که از طریق دستورالعمل های ۱۹۹۶ به اجرا گذاشته است، رویه صدور مجوزها را فاقد انعطاف پذیری لازم دانسته، موجب یک تبعیض غیر موجه می داند. همچنین ارگان پژوهش اعلام نمود که تعقیب مذاکرات لزوماً کافی نبوده است، بلکه تدابیر می بایست از انعطاف پذیری نیز برخوردار می بودند

(Rapport de l'Organe d'appel, Etats Unis-Crevettes: 161-164)

عملکرد ارگان پژوهش ما را به این نتیجه رهنمون می سازد که عامل اصلی که سبب شد ایالات متحده در ارتباط با انجام ندادن مذاکره جدی با بعضی از اعضا تبعیض غیر موجهی را اعمال کند، به تنهایی برای توجیه چنین تصمیمی کافی به نظر نمی رسد. ما بر این باوریم که دلیل دیگر تصمیم ارگان پژوهش این است که ایالات متحده با تعیین و اجرای یکجانبه معیارهای ماده ۶۰۹، وضعیت های مختلفی را که در کشورهای صادر کننده می توانست وجود داشته باشد، مورد توجه قرار نداده است. به عبارت دیگر، ایالات متحده معیار «تبعیض غیر موجه» را انجام نداده است، زیرا این کشور همان رژیم مربوط به میگوهای ملی را در مورد میگوهای خارجی اعمال کرده است

(Rapport de l'Organe d'appel, Etats Unis-Crevettes: 5. 46)

ارگان پژوهش در قضیه میگو نیز این فرصت را پیدا کرد تا به بررسی اعمال تدابیر تبعیض خودسرانه بپردازد. در قضیه میگو، ارگان پژوهش در بررسی خود در مورد این که آیا ماده ۶۰۹ به صورت یک تبعیض خودسرانه بین کشورهایی که دارای شرایط یکسانی هستند، اعمال شده است، اعلام کرد که ماده ۶۰۹ دستوری واحد، سرسخت و دقیق را تحمیل می کند که بنا بر آن کشورهای که مایل به کسب مجوز مطابق با ماده مزبور هستند، باید همان برنامه و مقررات ایالات متحده را بدون توجه به شرایط موجود در کشورهای خود (صادر کننده) تصویب نمایند. بعلاوه، در عمل روشی که کارگزاران برای تعیین مجوز وضع کرده اند، انعطاف پذیر نیست. به نظر ارگان فوق، این عدم انعطاف یک تبعیض خودسرانه مطابق صدر ماده ۲۰ محسوب می شود (**Rapport de l'Organe d'appel, Etats Unis-Crevettes: 177**). در قضیه میگو، گروه ویژه اعلام کرد که به علت برنامه های

جدید اجرا معروف به «دستور العمل های اصلاح شده»، ایالات متحده در موقعیت خوبی برای پرهیز از تصمیمات خودسرانه قرار گرفته بود: « به نظر می رسد عضوی که به دنبال کسب مجوز است، این امکان را دارد که نشان دهد برنامه اش با برنامه ایالات متحده قابل قیاس است. در اولین نگاه، تدابیر اجرایی اساساً دیگر بر اجرای بعضی از روش ها یا هنجارها تأکید نمی کنند، بلکه بر نیل به بعضی از اهداف تأکید دارند، اگرچه معنای واژه هدف نسبتاً بسیار وسیع است. ما می توانیم عناصر مؤثر دلیل انعطاف پذیری دستورالعمل های اصلاح شده در مجوز داده شده به استرالیا در مورد صدور میگوهای صید شده شمالی و خلیج اسپینسر اگرچه این کشور به طور دقیق بنا بر ماده ۶۰۹ مورد تأیید قرار نگرفته بود» (Rapport du Groupe spécial, Prohibition à l'importation de certaines crevettes et de certains produits à base de crevettes :5.124).

ج) معیار عدم ایجاد محدودیت پوشیده بر تجارت بین المللی

در گزارشهای مختلف گروه های ویژه و ارگان پژوهش به این موضوع پرداخته شده است که چه تدابیری موجد محدودیت پوشیده بر تجارت بین المللی محسوب می شوند. قضیه پنبه نسوز از جمله قضایایی است که به طور مفصل به بررسی و تشریح محدودیت پوشیده بر تجارت بین المللی پرداخته است. در قضیه فوق، گروه ویژه این موضوع را متذکر شد که قلمرو این واژه ها به روشنی مشخص نیست. در چارچوب گات ۱۹۴۷ به نظر می رسد که گروه های ویژه، محدودیت پوشیده بر تجارت بین المللی را محدودیتی می دانند که به شکل اقدام تجاری باشد یا از قبل اعلام یا منتشر نشده باشد و یا حتی مورد بازرسی نیز قرار نگرفته باشد. ارگان پژوهش اعلام کرده است که « مقررات صدر ماده ۲۰ به طور منطقی نمی توانند به همان معیارهای مورد استفاده برای تعیین اینکه نقض یک قاعده ماهوی صورت گرفته، ارجاع شوند. به نظر ما درک اینکه چه چیزی « محدودیت پوشیده بر تجارت بین المللی» است، مهم است، نه واژه «محدودیت»، زیرا تمام تدابیر مطروحه ماده ۲۰ در اصل محدودیتی بر تجارت بین المللی هستند، بلکه این واژه «پوشیده» است که مورد توجه است. مطابق رویکرد تعریف شده در ماده ۳۱ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در مورد حقوق معاهدات، ما متذکر می شویم که معنای عادی واژه «پوشیده» می تواند به طور ضمنی به معنای عمد و قصد باشد. در واقع، «پوشیدن» به معنی «پنهان کردن به شکل فریب آمیز»، «جعل کردن»، «تغییر جهت فریب دادن»، «تغییر ماهیت دادن»، «پنهان کاری» است. بنابر این، از نظر شکل، محدودیتی که

به موارد مندرج در بند ب ماده ۲۰ پاسخ دهد، در صورتی تبدیل به [عمل] سوء استفاده آمیز می شود که رعایت آن تنها پوششی جهت محدود کردن مبادلات در قالب و پوشش تدابیر باشد». (Rapport du Groupe spécial, CE - Amiante, 18 septembre 2000:8. 236) بتدریج سه معیار توسط گروه‌های ویژه و ارگان پژوهش در خصوص تعیین اینکه آیا تدابیر اتخاذی محدودیتی پوشیده بر تجارت بین الملل محسوب می شوند یا خیر، معرفی گردید. این سه معیار عبارتند از: الف) معیار اعلان عمومی؛ ب) بررسی اجرای تدابیر از حیث معادل بودن تبعیض خودسرانه یا غیر موجه؛ ج) بررسی مفهوم اصول اساسی و ساختار مولد تدابیر مورد نظر. گروه ویژه در قضیه تن، تنها تفسیری لفظی از مفهوم «محدودیت پوشیده بر تجارت بین المللی» مبتنی بر معیار اعلان عمومی ارائه داد. گروه ویژه اعلام کرد که: «تدابیر و اقدامات آمریکا نباید به عنوان محدودیت پوشیده بر تجارت بین المللی محسوب شود، زیرا ممنوعیت ورود تن و محصولات آن از کانادا به این کشور، به عنوان اقدام تجاری مصوب ایالات متحده تلقی شده و به طور عمومی نیز اعلام گردیده است.»

در قضیه بنزین، ارگان پژوهش اعلام کرد: روشن است که محدودیت یا تبعیض پنهان یا اعلام نشده در تجارت بین الملل معنای اصطلاح «محدودیت پوشیده» را خالی نمی کند. در قضیه پنبه نسوز، گروه ویژه این جمله را چنین تفسیر کرد که اقدام و تدبیری که اعلام نشده، مانند آن است که موارد پیشنهادی بند دوم صدر ماده ۲۰ را برآورده نکرده است. ارگان پژوهش در قضیه بنزین در باره ملاحظات مرتبط برای تصمیم گیری در مورد اینکه آیا اجرای اقدام و تدبیری خاص معادل «تبعیض خودسرانه یا غیر قابل توجیه» همچنین می تواند برای تعیین یک «محدودیت پوشیده بر تجارت بین المللی» لحاظ شود یا خیر، چنین ارزیابی کرد: بنابراین اصطلاحات «تبعیض خودسرانه»، «تبعیض غیر موجه» و «محدودیت پوشیده» بر تجارت بین المللی می توانند به موازات یکدیگر خوانده شوند و هر یک بر معنی دیگری مؤثر است. برای ما روشن است که «محدودیت پوشیده» متضمن تبعیض پوشیده در تجارت بین المللی است. ما ارزیابی می کنیم که محدودیت پوشیده صرف نظر از سایر عناصری که آن محدودیت دارد، می تواند به طور صحیح به عنوان مجموعه ای از محدودیت هایی محسوب شود که معادل تبعیضی خودسرانه یا غیر موجه در تجارت بین المللی باشد (Rapport de l'Organe d'appel, États-Unis - Essence, 29 avril 1996: 25).

نتیجه گیری

علاوه بر ماده ۲۰ موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت که در این تحقیق به تجزیه و تحلیل آن پرداخته شد، باید به مقدمه موافقت نامه مزبور اشاره کرد که در قیاس با مقدمه موافقت نامه مراکش (گات ۹۴) از جهاتی متفاوت است. اگرچه باید اذعان نمود که سازمان جهانی تجارت به هیچ وجه یک سازمان زیست - محیطی نیست. در مقدمه گات ۴۷ به طور صریح به موضوع «حداکثر استفاده از منابع جهانی» پرداخته می‌شود، در حالی که در مقدمه موافقت نامه مراکش به «استفاده مناسب از منابع جهانی مطابق با هدف توسعه پایدار جهت حفاظت و نگهداری از محیط زیست» اشاره شده است. غیر از ماده ۲۰، باید به این نکته اشاره کرد که در سطح نهادین نیز سازمان جهانی تجارت تصمیم به تأسیس کمیته تجارت و محیط زیست گرفت که عملاً جایگزین گروه مربوط به تدابیر محیط زیست و تجارت بین المللی گردید. هدف از این کمیته، ایجاد هماهنگی و تعاملی مثبت بین مسائل زیست - محیطی و آزادی مبادلات در جهت ارتقای توسعه پایدار و تقویت همه جانبه سیاست های تجاری و زیست - محیطی است.

در چهارمین کنفرانس وزارتی سازمان جهانی تجارت در دوحه قطر در نوامبر ۲۰۰۱، وزرا اعتقاد راسخ خود را بر شروع مذاکرات مربوط به بعضی از جنبه های روابط بین تجارت و محیط زیست اعلام کردند تا بدین وسیله در شفاف سازی روابط بین رژیم تجارت چند جانبه و وضع مقررات گوناگون در حوزه محیط زیست گام مؤثری بردارند.

تأسیس نهادهای هماهنگ کننده و به کارگیری استثنایهای زیست - محیطی در قضایای مختلف می تواند انس و الفتی بین تجارت و محیط زیست و سازمان های بین المللی متولی این امور ایجاد کند که در حال حاضر هنوز مراتب اولیة خود را طی می کند و نیازمند بستر مناسبتری است که در آن تعامل سازنده میان آنها نهادینه گردد. در حال حاضر، گام های اولیه در این خصوص برداشته شده است که مستلزم تداوم هرچه بیشتر آن است، کما اینکه ارگان پژوهش در خصوص واژه «منابع طبیعی تجدید ناپذیر» اعلام می دارد که این منابع بیش از نیم قرن پیش شکل گرفته است و باید در پرتو دغدغه های کنونی جامعه ملتها در خصوص محیط زیست تجزیه و تحلیل گردد. از طرفی، مقدمه موافقت نامه مراکش نشان داد که امضا کنندگان این سند به اهمیت و مشروعیت حفظ محیط زیست به عنوان یکی از اهداف ملی و بین المللی توجه دارند. با توجه به نگرش های مذکور در مقدمه موافقت نامه فوق می توان چنین گفت که لفظ عام «منابع طبیعی» به کار رفته در

بند ز ماده ۲۰ ایستا نیست، بلکه اصطلاحاً پویاست. شایان ذکر است که کنوانسیون ها و اعلامیه های مدرن بین المللی غالباً به منابع طبیعی به گونه ای نگریسته اند که هم منابع جاندار و هم منابع غیر جاندار را در برمی گیرد. بنابر این، با توجه به مراتب فوق و گزارشهای قبلی گروه های ویژه که در آن ماهی را به عنوان « منبع طبیعی تجدید ناپذیر » تلقی کرده اند و در راستای اثر بخشی مفید به تفسیر معاهدات، اقدامات مربوط به حفاظت از منابع معدنی و سایر منابع طبیعی غیر جاندار تجدید ناپذیر، در چارچوب بند ز ماده ۲۰ قرار می گیرد.

شایان ذکر است که تجزیه و تحلیل قضایای مطروحه در سازمان جهانی تجارت مبین توسعه آرام آرام توجه به محیط زیست است که از لابلای تفاسیر بعمل آمده توسط گروه های ویژه و ارگان پژوهش این سازمان بر می آید. از جمله قضایای بارز در این زمینه قضیه پنبه نسوز و قضیه میگوست که در آنها ملاحظات غیر اقتصادی در حقوق تجارت بین المللی وارد گردیده و به اصول حقوق بین الملل محیط زیست همچون اصل احتیاط اشاره شده است.

در پایان، گفتنی است که یکی از راهکارهای کلیدی جهت برون رفت از همگرایی، مشکل بین تجارت و محیط زیست، تدوین مقررات زیست - محیطی لازم الرعایه در موافقت نامه های تجاری و عکس آن، تدوین مقررات تجاری در موافقت نامه های چند جانبه زیست - محیطی است که این امر گامی مهم برای اتخاذ مواضع مشترک و هماهنگ توسط کارگزاران اقتصادی و تجاری و متولیان حفظ محیط زیست در سطح ملی و بین المللی محسوب خواهد شد.

فهرست منابع

- فارسی
- امید بخش، اسفندیار. (۱۳۸۵). « از موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت تا سازمان جهانی تجارت » در سازمان جهانی تجارت - ساختار، قواعد و موافقت نامه ها (مجموعه آموزشی)، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، صص ۳-۳۶.
- ایروانی، محمد جواد. (۱۳۸۳). شناخت سازمان تجارت جهانی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۸۳، ۲۰۰ ص.
- لاتین

OUVRAGE:

- BOISSON de CHAZOURNES, Laurence, DESGAGE, Richard,
- MBENGUE, Makane, ROMANO, Cesare. (2005). Protection

- internationale de l'environnement, Paris, pedone.
- CANAL- FORGUES, Eric.(2004). Le règlement des différends à l'OMC, Bruxelles, Bruylant.
- COLARD- FABREGOULE, Catherine.(2002). L'essentiel de l'Organisation Mondiale du commerce (OMC), Paris, Gualino éditeur.
- Guide de l'environnement et du commerce, PNUE
- LONDON, Caroline.(2001). Commerce et environnement, Paris, Puf.
- MALJEAN- DUBOIS, Sandrine.(2003). Droit de l'organisation mondiale du commerce et protection de l'environnement, Bruxelles, Bruylant .

ARTICLES:

- BARTENSTEIN, Kristin.(2002). «L'article XX du GATT:le principe de proportionnalité et la concordance concrète entre le commerce et l'environnement », Laval, Les cahiers de droit, Vol 43, n 4.
- BOTHE, Michel et SAND, PETER H.(2003).« La politique de l'environnement- De la réglementation aux instruments économiques », La Haye, Colloque de l'Académie de droit international.
- OMC- Symposium de haut niveau sur le commerce et l'environnement, Genève, 15- 16 mars 1998, p 84.

Rapports des Groupes spéciaux et d'Organe d'appel du GATT et de l'OMC:

- Rapport de l'Organe d'appel, C. E. – Hormones
- Rapport du Groupe spécial, Etats-Unis - Article 337 de la loi douanière de 1930, 7 novembre 1989
- Rapport de l'Organe d'appel, États-Unis – Essence, 29 avril 1996
- États-Unis – Crevettes, 12 octobre 1998 Rapport de l'Organe d'appel,
- Rapport du Groupe spécial, Prohibition à l'importation de certaines crevettes et de certains produits à base de crevettes, 15 juin 2001
- Rapport du Groupe spécial, Etats-Unis - Mesure affectant les importations de chemises, chemisiers et blouses, de laine, tissés en provenance d'Inde, 6 janvier 1997
- Rapport du Groupe spécial, Thaïlande – restrictions à l'importation et taxes intérieures touchant les cigarettes, 7 novembre 1990
- Rapport du Groupe spécial, CE – Amiante, 18 septembre 2000
- Note du Secrétariat, pratique du Gatt/de l'OMC en matière de règlement des différends se rapportant à l'article XX, paragraphes b), d) et g) du Gatt de 1994, WT/CTE/203, 8 mars 20002.